



کار شکنی منافقان

۷۹ - الذين يلمزون المطوعين من المؤمنين في الصدقات والذين لا يجدون الا جهدهم فيستخرون منهم سخر الله منهم ولهم عذاب اليم .

: منافقینی که به افراد متمکن که با کمال رغبت و وسعت زکات می دهند ، و همچنین به افرادی که با مشقت تا حد توانائی خود کمک میکنند ؛ عیب گرفته و مسخره میکنند؛ خدا مسخره آنها را تلافی خواهد نمود و عذاب دردناکی در انتظار آنهاست .

۸۰ - استغفر لهم اولا تستغفر لهم ؛ ان تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم ذلك بانهم كفروا بالله ورسوله والله لا يهدي القوم الفاسقين

: برای آنها استغفار بکنی یا نکنی (یکسانست) و اگر هفتاد مرتبه برای آنها طلب مغفرت کنی ، خدا آنها را نخواهد بخشید ؛ زیرا آنان بخدا و رسول او ایمان نیاوردند ، خدا افراد فاسق را هدایت نمیکند .

۸۱ - فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله و كرهوا ان يجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل الله وقالوا لا تنفروا في الحرقل نار جهنم اشد حراً لو كانوا يفقهون .

: تخلف کنندگان از جهاد ، از مخالفت و جدائی خود از رسول خدا خوشحال شدند ، و از جهاد با مال و جان سرپیچی کردند ، و یکدیگر می گفتند که در هوای گرم کوچ نکنید ، بگو آتش دوزخ (که در انتظار کفار است) اگر تعقل کنید ، سخت تر است

۸۲ - فليضحكوا قليلا وليبكو كثيرا جزاء ابا ما كانوا يكسبون (بگو) کمتر بخندید ؛ بسیار گریه کنید این جزای کارهاییست که انجام داده اید .

۸۳ - فان رجعتك الله الى طائفة منهم فاستأذنوك للخروج
فقل لن تخرجوا معي ابداً ؛ و لن تقاتلوا معي عدواً انكم رضيتم
بالتعود اول مرة فاقعدوا مع الخالفين .

هرگاه خدا ترا بسوی گروهی از آنها باز گردانید و از تو اجازه
خواستند (که در جنگهای آینده) شرکت کنند (و بسوی جبهه جنگ) بیرون آیند ،
بگوهرگز (حق ندارید) با ما بیرون آمده و با دشمنان ما بجنگید ، زیرا شما در
مرتبه اول به تخلف تن دادید ، باز هم با متخلفین بمایند .

* * *

مسلمانان مجاهد که بحکم روز ارتش حکومت اسلامی را تشکیل میدادند ؛ و حافظ
حقوق و نوامیس و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشورهای اسلامی بودند بی هیچگونه
تأمل ؛ نیازمند بودجه ای بودند ، که زندگی آنان را تأمین کند ، حکومت جاویدان اسلام
بودجه ارتش خود را از طریق تعیین حقوقی در اموال مسلمانان بنام زکات و صدقات و ...
تأمین نموده است ؛ و در صورتیکه با پرداخت حقوق مزبور ، نیازمندیهای ارتش تأمین نشود
حاکم شرع و سیاستمدار مسلمانان میتوانند ، برای رفع نیازمندیهای مسلمین ؛ از اموال
آنان مقدار دیگری بگیرد ؛ و در جهت مصالح خود آنها مصرف کند .

روزیکه بسیج عمومی بمنظور شرکت در جنگ «تبوك» اعلام گردید ، تمام مسلمانان
بر اثر تعالیم عالیله پیامبر ، خود را موظف دیدند ؛ برای تأمین نیازمندیهای يك ارتش منظم
سی هزار نفری کمکهای نمائند و از هر گونه اقدام باز نایستند .

نقطه ای که بایست تمام اعانهها در آنجا گرد آید ؛ تعیین گردید ، کمکهای شایان تقدیری
از طرف مردان غیور و زبان عقیف و پاکدل مسلمانان بعمل آمد ؛ انواع و اقسام لباسها
و غذاها ، مرکبها ، پهانیار ارتش تحویل داده شد ، اعانهها و کمکها یکنواخت نبود در میان
آنها اگر چهار هزار دینار وجود داشت ، يك صاع خرما که تقریباً يك من خرما است ، نیز
به چشم می خورد . رقم نخستین راجع به يك مرد ثروتمند بنام «عبد الرحمان بن عوف» که از
ثروتمندان «مدینه» بشمار میرفت ؛ بود ؛ رقم دوم رایك مرد آبکش بنام «ابوعقیل» که دستمزد
فعالیت روزانه ای او بود ؛ کمک کرده بود ، زنان غیرتمند ، با فرستادن طلا و وجوه نقدی
ارتش را یاری کرده و رسول خدا را از خود راضی میساختند .

نکته قابل توجه برای دانشمندان جامعه شناس اینجاست که حکومت اسلامی که در رأس
آن پیامبر اسلام قرار گرفته بود ، چنان مورد اعتماد و اطمینان قاطبه مسلمانان بود که

با يك اعلان عمومی، آنچه برای يك سفر طولانی در آن هوای گرم لازم بود و توانائی مسلمین را ایجاد میکرد، جمع آوری گردید، و این نقطه تاریخ برای مادر عبرت؛ و قابل استفاده ای است، که اساس گردش چرخهای يك اجتماع، همان اعتماد است اعتماد و اگر حس بدبینی و بی اعتمادی در میان جامعه حکم فرما باشد؛ محیط بشری، بيك جهنم سوزانی تبدیل میگردد.

منافقین کارشکن

منافق بی ایمان و بیهدف؛ نه بخدا ایمان آورده و نه برسول او؛ نه سچایای حمیده دارد؛ و نه از دارندگان فضائل خوش میآید، از این ابراز احساسات سخت ناراحت شده؛ و نیکوکاران را بجرم نیکوکاری؛ سخت مورد تعرض و مسخره قرار میدهد، به جوانمردی مانند ابو عقیل، که نتیجه دستمزد خود را در اختیار پیامبر گذارده بود، تعرض کرده و میگوید: خداهرگز، این کمک ناچیز تو نیازمند نیست و با فرادی که کمکهای قابل ملاحظه ای کرده بودند بذله و مضمون دیگری نثار میکنند و این جمله ها از یک ضمیر نا آگاه اوحکایت میکند سرچشمه ای تمام اینگونه حرفها، نداشتن ایمان و تقوی است.

قرآن در آیه عفتاد و نهم، به گروه لثیمی که؛ نیکوکاران را مورد تعرض قرار داده؛ و عده عذاب دردناک داده است این عناصر ناپاک اختصاص به صدر اسلام نداشته و در اجتماع ما ایرانیان، نیز پیدا میشوند، بخاطر دارم که در سنوات جنگ جهانی دوم مرد پاکدل و روشن ضمیری، «پلی» روی رود خانه ای میساخت، که احتیاج مبرمی به وجود آن بود؛ ولی افراد بیفضیلت در اطراف آن جنجال کردند و غوغا براه انداخته و از هر گونه تعرض و اشکال تراشی خودداری نمیکردند بازرگان نیکو سرشتی برای دانشجویان علوم دینی، در یکی از شهرها کتابخانه ای میساخت؛ افراد مغرض چیزی نماند که در باره آن عمل خدا پسندانه نگفته باشند و بقول خود بانی که اخیراً برحمت ایزدی پیوست؛ اگر مرکز فساد درست کرده بودم؛ این اندازه فحش نثار من نمیکردند.

در این باره بقدری داستانها و مشاهدات زیاد است که اگر از ملالت خوانندگان ترس نداشتیم، برخی از آنها را برشته ای تحریر میکشیدیم؛ دورتر نرویم، در این ایام حج بندگان مسلمان خدا بادسترناج خود؛ برای ادای وظیفه خطیر اسلامی؛ پس از دادن حقوق فقراء، دولت و... عازم مکه مظهر میشوند، و بمنظور تشکیل بزرگترین کنگره اسلامی؛ اینهمه رنج و زحمت را بر خود هموار میسازند، و در انتظار تقدیر و تشویق کسی نیستند ولی هر گراز تعرض مغرضین، مصون نمیمانند.

طلب مغفرت پیامبر بحال منافق سود ندارد .

این افراد بر اثر کفر و فسق که دارند ، بقدری بی لیاقت شده و شایستگی هدایت را از دست داده اند ، که حتی استغفار پیامبر اکرم نیز درباره آنها ، مؤثر نمیافند ؛ و در آیه هشناد می فرماید : اگر هفتاد بار درباره آنها استغفار کنی : تا از آنها درگذرم ، نیز مؤثر نخواهد بود مقصود ، این نیست که اگر بیش از هفتاد مرتبه طلب آمرزش نماید ، مؤثر میگردد ؛ بلکه این تعبیر کنایه از این است ؛ که هیچگاه خدا آنها را نخواهد بخشید ؛ و دعا و طلب مغفرت تودر باره آنها ؛ بر اثر بی شایستگی آنها ، کوچکترین اثری نخواهد داشت و این حقیقت در قرآن در سوره منافقین بطور واضحی بیان شده است چنانکه میفرماید : **سواء استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم ؛ لئن یغفر الله لهم ان الله لایهدی القوم الفاسقین** (۶) طلب آمرزش و عدم آن درباره آنها یکسانست ، و خدا هیچگاه آنها را نخواهد بخشید . و علت اینهمه دوری از رحمت حق که حتی دعای رسول خدا درباره آنها مستجاب نمیشود ؛ در هر دو آیه بیان شده است ؛ و آن کفر و بی ایمانی آنهاست که موجب حرمان از شفاعت است .

عذر های کودکانه

مردم جهاد و فداکار که هدف مقدس او در نظر وی از همه چیز بالاتر است ، هر سخنی را در برابر آن آسان شمرده و همه گونه ناراحتی برای خود میخورد ؛ و این شیوه رجال فداکار است ، گرما و سرما ؛ رنج و محنت ، گرسنگی و تشنگی ، غربت و درپردری ، تأثیری در اراده آهنگین آنها نمیکند ؛ ولی منافقی که نه ایمان دارد و نه هدف ، دره واقع حساس به اعداار کودکانه توسل جسته ، و بیکدیگر میگویند ؛ چنانکه در آیه هشناد و یکم نقل کرده است : **لا تنفروا فی الحر** ؛ در هوای گرم کوچ نکنید ؛ گرمی هوا بهانه است و گر نه مطلقاً این دسته ی تن پرور روح جهاد و فداکاری ندارند .

معاویه یاغی ، پس از تأسیس حکومت خود مختاری در شام برای تضعیف حکومت مرکزی دستجات غارتگری بمراق میفرستاد ؛ تا بدینوسیله روحیه مردم عراق را تضعیف کرده و رخنه ای در حکومت علی امیر مؤمنان بوجود آورد .

سفیان بن عوف ، حمله بانبار برد ؛ و فرماندار علی (حسان بن حسان بکری) را کشت و اموال مردم را تاراج کرد ؛ حتی زیور و خلخال زنان را به عنف از آنها گرفت ، خبر به کوفه رسید ، علی (ع) در آن خطبه ایکه ، مردم را برای جهاد در راه حق دعوت کرده است ؛ به اعداار کودکانه برخی از منافقین بی هدف اشاره کرده و میفرماید : **فاذا امرتکم بالسیر الیهیم فی ایام**

الصيف قلتهم هذه حمارة القيظ، امهلنا يسبح عنا البحر واذ امر تكلم بالسير اليهم في الشتاء قلتهم هذه صبارة القر امهلنا ينسلخ عنا البرد، كل هذا فرار آمن البحر والقر... فانتم والله من السيف افر يا شباه الرجال ولا رجال (نهج البلاغه خطبه ۲۷):
 یعنی: هر گاه در فصل تابستان شما گفتم بجنک آنها روید؛ گفتید حالا موقع گرمای شدید است، بگذار تا گرما برطرف شود؛ و چون در وقت زمستان شما امر نمودم که برای نبرد آنان بیرون روید؛ گفتید اکنون هنگام سختی سرماست. صبر کن تا سرما بگذرد!
 تمام این بهانه‌ها از گرما و سرما برای فرار از جنگ است. اگر از گرما و سرما گریزان باشید؛ بخدا قسم از مشیر گریزنده ترید. ای افرادی که بظاهر مرد هستید ولی مردانگی ندارید!

روانشناسان توسل به این عذرهای کودکانه را گواه بر تزلزل خاطر و بی ارادگی میدانند معتقدند که چنین افراد در هیچ زمانی گامی به پیش نمیگذارند، افرادی بی مصرف و عاقل و باطل میگردند، شایسته‌ی این افراد همانست که در آیه هشتاد و دوم فرموده است که بر روزگاریا خود بگریند، و کمتر خنده کنند.

وظیفه فرمانده سپاه با این افراد.

: چنین افرادست عنصر و بی اراده و بی علاقه به هدف، هرگز بدر جهاد نمیخوردند؛ هر آنی فکر فرار و تخلیه سنگر؛ در مغز خود میپروراندند روی این اصل در آیه هشتاد و سوم به پیامبر دستور میدهد که افراد مزبور حق حضور در جنگ ندارند، زیرا آنان در گذشته آزمایش خوبی ندادند و چنانکه میفرماید فاقعدوامع الخالفین بایست مانند باز نشستگان از حضور خودداری کنند.

سه نتیجه مهم

رسول اکرم (ص) با میرمؤمنان (ع) وصیت فرمودند که:
 سه چیز است در دنیا و آخرت نتیجه آن با انسان میرسد: بجا آوردن حج فقر را برطرف میکند صدقه دادن بلاها را زایل میگرداند، ارتباط با خویشاوندان موجب افزایش عمر میگردد
 (نقل از تحف العقول)